

متن سخنرانی: دکتر منوچهر مرتضوی
استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز

کیفیت استفاده از منابع ادبی برای مسائل تاریخی

با چشم پوشی از مفاهیم خاص تاریخ و ادبیات بطور کلی نمیتوان این دو شعبه از فرهنگ قومی را از یکدیگر مجزا و ممتاز دانست. تاریخ در مفهوم عام آن شامل مظاهر حیات و کارنامه پندار و گفتار و کردار و فهرست تجلیات معنوی و ذوقی و ابداعات و ابتکارات مادی یک قوم بشمار می رود و ادبیات جزء لاینفک تاریخ و شاخه ای از درخت تناور تمدن و معارف و فرهنگ محسوب میشود و بعبارت روشتر تاریخ ظرف کلیه حوادث فکری و ذوقی و عاطفی و عملی و مادی مردم یک سرزمین است. بخصوص در مورد تاریخ و ادبیات ایران در دوره اسلامی ارتباط و امتزاج این دو رشته تاحدی است که یکی را بدون دیگری نمیتوان مطالعه کرد و آشنائی کامل با مدارک تاریخی غالباً مستلزم تبصر و تخصص در ادبیات است. مورخان که از این اصل غفلت کرده و بعنوان وسیله تحقیق و مقدمه کار زبان و ادبیات نیاموخته اند از فیض استفاده دقیق و عمیق از مدارک فارسی و عربی که در آنها مواد تاریخی در زیر حجاب رنگین و مصنوع ادبیات و تعبیرات و صنایع زبان ادبی مختلفی و مستتر است - محروم میباشند

موضوع بحث ما این نکات که اشاره کردیم نیست بلکه با توجه بوظیفه و هدف اصلی کنگره حاضر و از آنجا که مساعی و وظائف هر یک از کمیسیونهای ششگانه محدود بحدود ارتباط با تاریخ ایران و محیط در دایره مقتضیات تدوین تاریخ مفصل ایران است میخواستیم موردی از موارد استفاده از ادبیات را برای تحصیل مواد تاریخ اجتماعی و تمدن بررسی بکنیم. ذکر این نکته را نیز لازم میدانیم که مسأله جمع و تدوین آگاهیهای ادبی و مطالعه در کیفیت تألیف مباحث و شعرا و ادبا و علما و دیگر مسائل ادبی که باید بعنوان بانی بر ابواب تاریخ مفصل ایران افزوده بشود مورد بحث نیست و بدیهی است که فصول مربوط به فرهنگ و معارف ایرانی اعم از زبان و ادبیات و فلک و فلسفه و مذهب و غیره برای درج در ضمن تاریخ مفصل ایران باید بموازات تدوین استخوان بندی تاریخ ایران بتدریج از طرف افراد و گروههای متخصص تألیف و تدوین گردد.

برای ورود در موضوع بحث نخست باید اشاره ای به ارزش منابع تاریخی موجود کرده سپس مفهوم و معنی واقعی تاریخ مفصل ایران را اجمالاً بررسی نمایم و آنگاه با مقایسه وضع وجود یا وضع مطلوب و کشف نقائص بالفعل موجود و همچنین بالقوه هر کتاب تاریخی که بر اساس شیوه معمول

تنظیم و تدوین گردد به یکی از موارد خدمتی که ادبیات فارسی میتواند در راه تحقق این آرمان علمی و تحقیقاتی انجام دهد بپردازیم.

منابع تاریخی موجود یا منابع قدیم است با تألیفات جدید منابع قدیم که مشتمل بر منابع تاریخ عمومی و خصوصی است غالباً براساس روایات مکتوب یا مسموع و یا مشهودات بوجود آمده و در تألیف و تدوین آنها غالباً اغراض و وظائف و هدفهای جز آرمان و نظر صرف علمی و تحقیقی مؤثر بوده است.

محدود بودن مدارک و منابع و نقص اطلاعات مؤلفان و یا اغراض و نظرهای خاص (مؤلف علاقه بنامین آنها داشته است) باعث شده است که گاهی ماهیت مسائل تحریف بشود و رگاهی پاره‌ای از وقایع و حقایق در پرده اجمال و نسیان بماند، در مواردی نیز که نویسنده انگیزه علمی و تحقیقی داشته بعلمت نقص و فقدان اطلاعات کافی و وافی و تأثیر طبع متسامح و خوی افسانه پسند نویسنده و خواننده گاهی اوهام و حکایات و افسانه‌ها و اغراق‌ها در خلال حقایق و تارو پود حوادث جایی برای خود باز کرده و ارزش و اعتبار علمی کتاب را تقلیل داده است. اسناد غیر مستقیم تاریخی از قبیل سفرنامه‌ها نیز غالباً بر اثر عدم اطلاع عمیق و قضاوت سطحی نویسنده یا اختلاط مطالب مشهود و مسموع (نگارش بسیاری از سفرنامه‌ها یا بخشهایی از آنها با استعداد از قوه حافظه یا استفاده از یاداشتهای معمول و مبهم که جهانگرد در مدت سفر برداشته صورت گرفته است) و همچنین تأثیر تعصبات و عقاید خاص جهانگرد که در ارزیابی مسائل و تعظیم و تحفیف حوادث و قضاوت نسبت بمشاهدات ناخودآگاهانه تأثیر بخشیده، از آفت تسامح و تحریف و جعل و نسیان مصون نیستند و آنچنان نیست که محتویات آنها را منعکس کننده عین حقیقت بدانیم.

تحقیقات و تألیفات تاریخی جدید نیز که پس از شیوع و تداول روش تحقیق غربی انجام یافته‌اند، بر چند قسم میباشد: نخست منابعی که نویسندگان آنها از تلفیق مطالب و مواد تألیفات و تحقیقات دیگران (از نوع جدید) برای تألیف کتاب خود استفاده کرده‌اند. دوم تألیفاتی که در نگارش آنها با استفاده از منابع تاریخی قدیم (که در بالا بررسی کردیم) اکتفا شده است. سوم تألیفاتی که در تهیه و تألیف آنها از روش صحیحتری پیروی شده و نویسندگان آنها در استفاده از منابع تاریخی قدیم روش انتقادی و شیوه تطبیق و ترجیح و انتخاب را رعایت کرده از این گذشته مطالب مذکور در کتابهای تاریخ را بکمک مواد موجود در سفرنامه‌ها و استفاده از مدارک غیر مستقیم دیگر از قبیل اسناد و نامه‌ها و منشور محفوظ در کتابخانه‌ها و بایگانیها و مجموعه‌های خصوصی تکمیل و تهذیب کرده‌اند (این نوع کار ندرت دارد و غالباً شامل ادوار محدودی از تاریخ ایران است). بهر حال حاصل همه این کوششها بوجود آمدن منابع پراکنده‌ای درباره تاریخ سیاسی ایران است و باید واقع بینانه اعتراف کرد که نه تنها عشری از کار لازم برای تدوین تاریخ عمومی سیاسی و نظامی انجام نیافته است و برای نیل بدین مقصود راهی دراز در پیش داریم بلکه در زمینه تاریخ محلی و تاریخ خاص مناطق مختلف نیز اصولاً کوشش قابل ذکر بعمل نیامده و تاریخ بسیاری از سرزمینها در حجاب ابهام و استتار و خاموشی محض محجوب و مستور است.

خوانندگان کنجگو و دقیق در ضمن مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ ایران پس از آشنائی با قالب ظاهری و سطحی تاریخ این سرزمین میخواهد بداند سرگذشت قوم ایرانی و کیفیت تمدن و مسائل اجتماعی در ادوار مختلف و سرزمینهای متعدد این کشور پهناور چه بوده است. میخواهد بداند روزگاری بوکس و هوو و خوشتره و روزگار کورش نادر یوشوم که با تاریخ سیاسی آن ادوار کم و بیش آشنائی داریم قوم مادی و پارس در چه شرایطی میزیسته‌اند و وضع زندگی اجتماعی و حدود تمدن و فرهنگ آنان چه بوده است. مثلاً همچنانکه در تاریخ قدیم اطلاعات گرانبھائی از تشکیلات شهری و کتابخانه عظیم اسکندریه و مراکز مختلف اجتماعی و کیفیت زندگی مردم آن شهر در دست

داریم می‌خواهیم نظیر همین اطلاعات را در باره شهرهای همدان و ری باستان و تخت جمشید و تیسفون و گنزک داشته باشیم. می‌خواهیم بدانیم در روزگار ساسانیان وضع زندگی اجتماعی و فرهنگی و طب و اقتصاد و تشکیلات خانوادگی چه کیفیتی داشته. می‌خواهیم بدانیم در زمانی که رودکی چنگ بر می‌گرفت و مینو اخت و محمود غزنوی سله‌های گراف بشاعران میداد و بلی عظیم بر جیحون می‌ساخت و از آمو دریا می‌گذشت و بتخانه سومنات را فتح می‌کرد و نیاز عشق ایاز را با نازبت شکنی می‌آمیخت در عمق اجتماع و کوجه و پس کوجه‌های بلخ و بخارا و سمرقند و غزنین چه می‌گذشت و در زمانی که بوسعید میهنه‌ای با ابوالحسن خرقانی دیدار می‌کرد در کوی و برزن و بازار زندگی مردم عادی چه جریانی داشت، می‌خواهیم پس از بررسی تاریخ دوره ایلخانان و شناختن سیماهای درخشان آن روزگار از قبیل خواجه رشیدالدین فضل‌الله و خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان و خواجه غیاث‌الدین وزیر و سلطان محمود غازان و سلطان محمد الجایتو خدا بنده و امیر نوروز و امیر طرطماز و خواجه نصیر-الدین طوسی و علامه حللی و آشنائی با تشکیلات عظیم علمی و موسسات عام‌المنفعه و استخوان‌بندی تمدن دوره ایلخانی و حوزه‌های اربعه ربع رشیدی و رصدخانه مراغه و شب‌غازان و حوزه علمیه، سلطانیه چشم‌برهم بگذاریم و در کویهای شهر تبریز و شهرچه ربع رشیدی و مراغه سیر و تماشاگری بکنیم و وضع مکتبها و کیفیت تعلم کودکان و تعلیم معلمان و شور و غوغای بازارها و رسوم معاملات و خرید و فروش و زندگی و تفنن مردم و بازیهای کودکان و نشاط جوانان و لباسهای رنگارنگ طبقات مخالف را بطور محسوس بشناسیم و از بازارهای باشکوه شهرهای آذربایجان و انواع کالاها و کاروانهای حله و دیبا و آب‌بکینه و زعفران و جوش و خروش مشتریان دیدن بکنیم و بالاخره حقیقت زندگی طبقات خاص مثل عیاران و صوفیان و جوانمردان و طبقات عام مانند شهرنشینان و روستائیان و بازرگانان و بازاریان و اهل علم و اصحاب دیوان و اغنیا و فقرا را بطور محسوس و ملموس درک نماییم.

اقسوس که بدنیاال این قبیل مطالب و این قسم اطلاعات هرچه بیشتر بگردیم کمتر به نتیجه میرسیم و جز اشارات پراکنده‌ای در کتابهای تاریخی چیزی در این زمینه‌ها پیدا نمی‌کنیم. اینجاست که بقول مرحوم ادگار بلوشه می‌بینیم منابع تاریخی موجود کالبدهای بیجان هستند که بهیچوجه به حقیقت و ماهیت تاریخ در مفهوم عام آن راهبر نیستند و اگر نام و مشخصات ظاهری و قیافه مردم این سرزمین را بطور مبهم نشان میدهند در مورد باطن و حقیقت و ماهیت ساکت و خاموشند. برای درک اهمیت این مسأله نخست باید ذهن خود را از مفهوم متداول و معنای مصطلح تاریخ خالی و فارغ بکنیم تا بتوانیم ببینیم که تاریخ واقعی و کلاً فرهنگ قومی، چنانکه در نطق افتتاحیه دقیق و عمیق و جامع‌الاطراف شاهنشاه آریامهر بعنوان هدف و دستور العمل کنگره بین‌المللی ایران شناسان مورد توجه و تأکید قرار گرفت، بدون اشمال و احتوا بر آنچه گفته شد معنی و مفهومی نخواهد داشت.

شاید بنظر پرسد کتابهایی که تا کنون تحت عنوان تاریخ اجتماعی دوره‌های مختلف نوشته شده تا حدی این منظور را تأمین میکنند ولی باید توجه داشت که این قبیل کتابها اگرچه در نوع خود متضمن فوائد خاص است ولی فقط شامل اصول و قواعد و قوانین اجتماعی و دینی و تشکیلات دیوانی و طبقاتی در ادوار مختلف بوده بدینحته از مواد اجتماعی و تمدن وسیع جامعه چیزی در بر ندارد و هرگاه مطالعه قوانین مدنی و جرائی و تشکیلات اداری عصر حاضر برای نشان دادن تجلیات زندگی و مسائل اجتماعی کلی باشد آنچنان منابعی نیز برای توصیف و ارائه تاریخ اجتماعی و تمدن و فرهنگ ادوار گذشته کافی و رسا خواهد بود.

ولی جای ناامیدی نیست و اگر چه مدارک تاریخی موجود ما را از امکان تحصیل مواد مطلوب در این زمینه ناامید میکند سرچشمه زاینده دیگری وجود دارد که اگر بدرستی و با روش صحیح مورد استفاده قرار بگیرد تا حد زیادی برای تدوین تاریخ اجتماعی و تمدن و فرهنگ ایرانی لافل

دردوره اسلامی کافی ووافی خواهد بودوان سرچشمه زاینده ادبیات ومدارك ادبی است. منظور سن از منابع ادبی دیوانهای شعر او کتب ادبی ومجموعه‌های مکتوبات ومنشآت و تذکره‌های شعرا و عرفاً وادباوعلماء و کتب افسانه وقصص واساطیر ومنظومه‌ها ومجموعه‌های حماسی وبزمی وبخشی از کتب تاریخ وسفرنامه‌ها است.

نویسندگان وسرایندگان این آثار در ضمن پروانیدن موضوعی خاص مواد و مصالح لازم را برای بنای عمارت نظم ونثر از مشهودات زمان ومکان خود اخذ کرده‌اند. حتی شاعری مثل نظامی هنگامیکه سرگذشت خسرو شیرین و لیلی ومجنون را می‌پردازد اگرچه استخوان بندی اثر خود را از یک افسانه قدیمی میگیرد ولی برای آراستن مجالس وبزمها وتوصیفات وتشبیهات گوناگون از دیده‌ها وشنیده‌های خود استفاده میجوید وتوصیف زیبایی و قهر و آشتی و رسوم و آداب مهمانی ومیزبانی وروابط عاشق ومعشوق ومعلم و شاگرد وزن و شوهر وتجلیات صلاح و فساد ومعتقدات وخرافات و آرایشها و تزئینات والبسه واطعمه واشربه‌والحان وافانی وآلات موسیقی وسفرها وانتظارها وغیره ناچار از معلومات ومشهودات زمان وشهر ودیار خود ولااقل از عناصر معروف در روزگار خود استمداد میکند با مطالعه تحلیلی دیوان خاقانی بی‌میریم که اگر برای تصویر ومجسم ساختن زندگی مردم شروان وتبریز وحتی کلیاتی درباره گرجستان وری وخراسان در قرن ششم هجری منابعی وجود داشته باشد کتابهای تاریخ نیست بلکه دیوان خاقانی است. شاعر بزرگ شروان او طرز طلوع وغروب آفتاب در سرزمین خود تا کیفیت بزمهای زمستانی وتابستانی ووسائل وآلات بزمها و وضع حجره‌ها وشبستانها وایوانها واشکال چراغ و منقل وسینی و اطعمه واشربه وطب متداول در روزگار شاعر و خرافات و عقاید مردم عامی و بازیهای مختلف والحان وافانی وشکل دقیق اسباب موسیقی و مراسم سوگواری وسیاه‌پوشی و شیون وموی کندن وخاک بر سر پاشیدن وچگونگی تسلیم وتعزیت اقوام وخویشاوندان درباره شخص سوگوار ومعدوم ساختن وسائل خصوصی شخص متوفی برای جلوگیری از تازه شدن داغ بازماندگان ووضع مکتبهای آن زمان ووسائل تحصیل وتعلیم کودکان و آموزگاران را بما میآموزد ومهمتر از همه اینها، برخلاف آنچه درباره این شاعر بظاهر مشکل گوی وخلق پرداز مشهور است تصویر جاندان وزنده از کیفیت احساسات وعواطف انسانی مردم زمان خود ولااقل مردم آذربایجان وارایان نشان میدهد وزرقترین عواطف مادری وپدری وفرزندی ومهر ومحبت وصفای بین زن و شوهر را ارائه میکند وبما میآموزد که هشت قرن پیش از این نیز غیر از امرا وشعرا وادبا وعلماء مردمی باعواطف شبیه عواطف ما وبا مظاهر شادی واندهه همچون مردم زمان ما میزیستند وخاقانی نیز یکی از آنها بوده است. بگذریم از اطلاعات گرانبهایی که خاقانی درباره وضع صومعه‌ها وراهبان وتزیینات کلیساها وشکل قندیلها وبوقها وصورهای دیرنشینان وریاضتهای آنان و جزئیات وضع زندانها ونکات باریک در باره جنگهای زمان خود در اختیار ما میگذارد و اهمیت واشتعار خراسان قدیم وآبوهوای شهرری را گوشزد میکند و در زمینه زبان شناسی با این دوبیتی مشهور خود نکته ای در باره تطور زبان گرجی را روشن میسازد وتلویحا یاد میدهد که در آن زمان دریکی از لهجه‌های گرجی «مویس» بمعنی بیا بوده است (بمناسبت ذکر نکته اخیر شایسته است از استاد فقید ولادیمیر مینورسکی ومقاله مفید واستادانه آن دانشمند در باره قصیده توسائیه خاقانی یاد بکنیم).

ایبخاز نشین گشتم و گرجی گوئی
شد موی زبانم و زبان هر مویی

از عشق صلیب روی رومی روئی
از بسکه بگفتمش که «مویی مویی»

از تحلیل وتجزیه دیوان فرخی سیستانی، گذشته از تحصیل مواد مهمی درباره تاریخ سیاسی و جزئیات لشکر کشی محمود غزنوی که بسیاری از آنها در کتابهای تاریخ منسومی ومسکوت عنه

است، آگاهیهای بسیاری درباره تمدن و وسائل زندگی و آداب و رسوم اجتماعی و فضائل و مفاسد آن روزگار بدست می‌آید و خصوصیات متفاوت با ادوار دیگر کشف میشود و گوشه‌ای از سیمای حقیقی زندگی مردم از پشت پرده ظاهر میگردد.

از دیوان قطران تبریزی کمترین استفاده‌ای که حاصل می‌شود اینست که تصویر جالبی از عظمت و اهمیت شهر تبریز در آن زمان و عمارات و ابنیه عالی آن که بر اثر زلزله ویران گشت و مطالبی درباره زندگی مردم بدست می‌آوریم و از گفته‌ها و سروده‌های کمال خجندی پی می‌بریم که سرخاب و چرنداب و گجیل محلات بزرگ تبریز امروزی قرن‌ها پیش از این نیز وجود داشته و از کوی‌های آباد و مصفا و با رونق تبریز در آن زمان بوده است.

شاید فوایدی که فقط از دیوان منوچهری درباره انواع و اقسام طیور و ریاحین و آبگیرها و اشجار و صفای طبیعت در بخشی از شمال ایران قابل استفاده است از مجموع مدارک کلاسیک تاریخی و جغرافیایی بدست نیاید. بنظر من بنده آنجا که فردوسی در افسانه‌ای مربوط به ادوار ماقبل تاریخ از قول گوینده‌ای مازندران را می‌ستاید در واقع اوصاف مازندران دوره فردوسی را می‌شنویم نه مازندران دوره پادشاهان کیانی را، و از همین توصیف معلوم میشود که هزار سال پیش از این مازندران وضعی شبیه امروز داشته ولی سرسبزتر و خرمتر و آب و هوایش معتدل تر و ثابت‌تر بوده است؛

همیشه بر و بومش آباد باد
زمینش پر از لاله و سنبل است
نه گرم و نه سرد همیشه بهار

که مازندران شهر ما یاد باد
نه در بوستانش همیشه گل است
هوا خوشگوار و زمین پر نکار

مجموعه‌های مکاتبات و نامه‌ها غالباً در ردیف مدارک تاریخی مستقیم محسوب نمی‌شود و اگر هم مورد توجه مورخ واقع بشود تنها در زمینه تاریخ سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند در زمینه تاریخ اجتماعی و تمدن، در حالیکه از این مدارک پر ارزش فواید بی‌ظنیری در باره آن مسائل می‌توان بدست آورد. من شخصاً بخش عمده آگاهی خود را در زمینه تاریخ اجتماعی و تمدن دوره ایلخانان ایران (در مفهوم خاص آن) مدیون مکاتبات رشیدی و وقفنامه‌های رشیدی و اسنادی از این قبیل هستم نه چهانگشای جوینی و جامع‌التواریخ و تاریخ و صف و غیره. پس از تجزیه و تحلیل این مکتوب‌ها و مقایسه و تطبیق مطالب مذکور در این نامه‌ها با همدیگر و با مدارک و اسناد دیگر وسعت و عظمت مراکز تمدن روزگار ایلخانان و عظمت و اهمیت شهرچه ربیع رشیدی و کویها و برزنهاي آباد آنجا بخوبی معلوم میشود و شهر دانشگاهی آباد و مصفاي در شمال شرقی تبریز. در نظر من مجسم میگردد که دارای کوی استادان و کوی دانشجویان و مدارس متعدد برای تدریس و تعلیم دروس نظری و عملی و دینی و ادبی و طبی و نجومی و کارگاههای صنعتی و فنی گوناگون است. حتی مبلغ مستمری و مواجب استادان و معیدان و دانشجویان و اختلاف وضع دانشجویان شیانه روزی و عادی از خلال این مدارک بوضوح روشن میشود و تعداد قابل توجهی از علما و کتب که در منابع دیگر یادی از آنها نشده و معزز و محترم بودن علما و روابط وزیر اعظم ایلخانی با دانشمندان و نوع هدایا و مبلغ و مقدار گزاف صلوات و جوایز و سیاست ترویج فرهنگی و علمی و حدود دخالت و زرای ایلخانی در سیاست دولت مغول کشف میگردد. همچنین از پرتو این مدارک میتوان با مطالب جالبی درباره جزئیات مسائل اقتصادی و کیفیت مالیاتها و منابع و محصولات و ایالات مختلف و امتعه و اقمشه‌های آن عصر آشنا شد، مثلاً از روی این مدارک معلوم میشود فلان دهکده و قصبه دورافتاده بنام زنونز و زنونز که امروز در شمال تبریز موجود و مشهور است در روزگار ایلخانان نیز وجود داشته و مانند امروز سیب آن دهکده مشهور آفاق بوده است و همچنین با استفاده از این منابع میتوان پی برد که علما و دانشمندان متناسب مقام

علمی و درجه اشتها خود از چه نوع پوستین استفاده میکردند و جنس انواع پوستینها چه بوده است و هزاران نکته از این قبیل .

مولانا جلال‌الدین محمد بزرگترین عارف متفکر شرق را همه میشناسیم ولی شخصیت او نیز مثل همه نیمه خدایان دیگر ادبیات ایران نظیر سعدی و حافظ و عطار و فردوسی درهاله‌ای از رمز و ابهام خفته است . اگر گواه شخصیت عرفانی و فلسفی و ادبی مولوی و ارزش او در مقیاس قرون و اعصار مثنوی معنوی و دیوان غزلیات و فیه مافیه و مفاهیم و الای حکمت و عرفان (مندرج در این آثار) باشد منبع تحقیق در باره شخصیت انسانی و اجتماعی مولوی در زمان محدود ۶۷۲-۶۰۴ هجری مکتوبات اوست . از مکتوبات مولانا که بهمت دانشمندان ترك بزبور طبع آراسته شده و نوع توصیه‌ها و مطالب مندرج در آن گذشته از شخصیت خصوصی مولانا پاره‌ای از جهات روابط اجتماعی و احتیاجات و ابتلائات مردم در روزگار وی روشن میشود .

اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید آئینه روشنی است که میتوان منظره کویها و برزنها و وضع طرق و شوارع و بعضی کاروانسراها و دهکده‌ها و اماکن مجهول و جهات گوناگون زندگی مردم عادی و دکانها و نقود و اوزان رایج و بعضی از اقسام جامه‌ها و پاپوشها و نوناها و خوردنیهای مخصوص سفره افطار و مطالب دیگر را مشاهده کرد .

بطور کلی مدارک و کتب صوفیه از قبیل اسرار التوحید و فردوس المرشدیه و تذکره الاولیاء عطار و مواد تمثیلی و داستانی مثنوی مولوی و حدیقه سنائی و بعضی از منظومه‌های عطار و مناقب العارفین و صفوة الصفا بعلت تماس و ارتباط بلکه وحدتی که بین طبقه متصوفه و مردم و جامعه بوده است . منبع گرانبهایی برای درک جزئیات زندگی مردم عادی و وسائل مختلف مورد نیاز عمومی و اماکن و راهها و ارتباطات و زاویه‌ها و معاملات و صنعت و جلوه‌های گوناگون حیات اجتماعی بشمار میرود و بکمک این مواد و تلفیق آنها با مطالب متنوع سفرنامه‌ها (از قبیل سفرنامه ابن بطوطه) میتوان بموازات تاریخ سیاسی اساس تاریخ اجتماعی و تمدن چند قرن را بی‌ریزی کرد .

استفاده از اساطیر و افسانه‌ها و داستانهای ادبی و عامیانه در این میان اهمیت کمتری ندارد و اگرچه این داستانها همیشه نماینده دوره معین و مشخصی نیست ولی بارعایت روش تطبیق و تدقیق میتوان محتاطانه از خلال آنها فوائد تاریخی بیشماری بدست آورد . شاهنامه فردوسی و بخصوص قسمتهای مهم آن جزء ادبیات است نه تاریخ ، ولی فراموش نکنیم که از همین افسانه‌های اساطیری و پهلوانی است که در ظلمت مطلق تاریخ میتوانیم بسوی ادوار ماقبل تاریخ ایران میتوانیم بسوی ادوار ماقبل تاریخ ایران کوره راهی بگشاییم و طرحی مبهم ولی جالب از کلیات مهاجرت قوم آریا به سرزمینی که بنام آن قوم ایران نامیده شد و پایداریهای بومیان زورمند و تنومند شمال در برابر پیشرفت آریائیها و زور آزمائیهای طولانی بین دو شاخه متمدن و بیابانی قوم آریا یعنی ایرانیان و تورانیان و شرح مشقاتی که منجر به استقرار نیاکان مادرمیهن تاریخی خودش بدست آوریم .

میدانیم که برای روشن شدن گوشه‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی قرن سوم تا دوازدهم هجری مطالعه دقیق در وضع زندگی و آداب و رسوم و افکار و عقاید دلاوران سرکشی که گاهی بنام عیاران و گاهی بنام جوانمردان و قتیان و اخی‌ها و زمانی بنامهای دیگر ظاهر شدند ضرورت دارد برای تحقیق درباره این بارقه‌های مهم میهن پرستانه در ظلمت استیلا بیگانگان مدارک مستقیم بهیچوجه کافی نیست بلکه با استفاده از افسانه‌هایی چون سمک عیبار و مواد موجود در منابعی چون سفرنامه ابن بطوطه است که میتوانیم جزئیات آموزنده‌ای درباره آداب و رسوم و خصائل و آرمانهای عیاران و پهلوانان و دامنه گسترش و فتوح و جوانمردی درازمنه و سرزمینهای مختلف بدست بیاوریم .

بعنوان نتیجه این بحث عرض میکنم که تدوین و تکلیف تاریخ و تمدن و تاریخ اجتماعی ایران در درجه اول موقوف به تحلیل و تجزیه دقیق آثار ادبی اعم از دیوانهای شعر او کتب ادبی و آثار متصوفه و افسانهها و مکاتبات و رسائل و مناشیر و منظومهها و تذکرهها و ادبیات عامیانه و استخراج مواد موجود در این منابع است و فقط با در دست داشتن حاصل چنین تحقیقی و تکلیف مدارک تاریخی محض و مواد مندرج در اسناد و نامدهای مضبوط در آرشیوهای کشورهای مختلف و بالاخره بمسدد قسرائن حاصل از کاوشهای باستانشناسی است که میتوانیم به تألیف و تدوین تاریخ مفصل ایران در مفهوم وسیع آن امیدوار باشیم و کاخ رفیع تاریخ سیاسی و اجتماعی و تمدن و فرهنگ ایران را بر روی پایههای استوار و قابل اطمینان بنا بکنیم .

در خاتمه این گفتار اشاره بنکات زیر لازم مینماید :

پاره ای از منابع تاریخی از قبیل تاریخ بهیقی و تاریخ مبارک غارانی محتوی مطالب مفید و پرازشی از لحاظ اجتماعی و تمدن در ادوار مورد بحث است ولی این مسأله بهیچوجه از صحت و کلیه انتقاداتی که در باره مدارک تاریخی و روش تاریخ نویسی بعمل آمد نمیگردد زیرا این نوع مطالب مفید که در منابع تاریخ وجود دارد جز بندرت مورد استفاده محققان قرار نگرفته است و باید دوشادوش استخراج مواد مربوط به مسائل اجتماعی و تمدن از منابع ادبی استخراج و بررسی شود . بعنوان نمونه این نوع مواد در منابع تاریخ میتوان از قوانین مختلف اجتماعی و اقتصادی و اداری که در تاریخ مبارک غارانی مندرج است ، و در صورت تجزیه و تحلیل اطلاعات سودمندی در زمینه مسائل اجتماعی و تمدن در دوره غارانی و قبل از آن بدست خواهد داد یاد کرد . همچنین است منابع نیمه تاریخی و نیمه ادبی مانند مجموعههای مکاتبات و سیاستنامه و غیره .

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرد اینست که استفاده از محتویات منابع ادبی در زمینه مسائل اجتماعی و تمدن باید با رعایت احتیاط صورت بگیرد و در نظر داشته باشیم که عدم رعایت روش علمی انتقادی (استقرا و تطبیق و مقایسه و تشخیص و استنتاج) در بهره بردن از این مواد چه بسا که باعث گمراهی خواهد شد .

راهی بس دور و دراز است ولی در امکان پیمودن این راه و تحقق این آرزوی ملی و جهانی ، اگر چه سالها طول بکشد ، بیایمردی دانشمندانی چون شما که از اطراف ایران و اکناف جهان در اینجا گرد آمده اید و با استمداد همت از روان پاک بنیانگذاران این فرهنگ وسیع و عمیق و کنه سال جای تردید نیست .